

نکاتی دربارهٔ مقالات انجامه

مقاله مفصل و مفید استاد افشار دربارهٔ انجامه، (دفتر پنجم، بهار - تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۹ - ۱۰۰) آغازنامه «انجامه‌شناسی» در زبان فارسی است. دسته‌بندی انجامه از لحاظ اصطلاحات، قلمرو، آرایه‌ها، خط، زبان، ... و ارائه نمونه‌های فراوان برای هر کدام از آنان، حاصل عمری پژوهش و تجربه در نسخه‌های خطی و فهرست‌های گوناگون کتابخانه‌های جهان است. توجه به انجامه‌نویسی فارسی و ایرانی، نکته اساسی مقاله می‌باشد.

مقاله استاد افشار، فرصت مناسبی به دست پژوهشگران نسخه‌شناسی می‌دهد تا هر کدام از محورهای آن را، موضوع پژوهشی مستقل کنند و چه بسا پایان‌نامه‌ای در کارشناسی ارشد کتابداری و نسخه‌شناسی شکل گیرد.

طرح چند بحث و سؤال را دربارهٔ انجامه، ادامهٔ مقالهٔ استاد می‌دانم: (تبصرهٔ واجب: به دلیل عنوان مقالهٔ انجامه، در این نگاشته همیشه فقط از انجامه استفاده می‌شود و نه مترادف‌های آن).

۱. چرا عنوان انجامه: استاد افشار ضمن بر شمردن چندین واژهٔ فارسی و عربی و اشاره به «دو سه اصطلاح دیگر عربی و ترکی» (ص ۳۹) - که کاش این دو سه اصطلاح به ویژه ترکی را جهت اطلاع من بر می‌شمردند - سرانجام واژهٔ انجامه را بر دیگر مترادفاتش ترجیح داده‌اند، بدون آنکه علت این ترجیح را بفرمایند. تردید ندارم که روشن نمودن این امر از واجبات گسترش «انجامه‌شناسی» در زبان فارسی است. چه به ظاهر انجامه باید انجام کتاب را بنمایاند، در حالی که گاه کلفون یا انجامه در آغاز کتاب می‌آمد (که نمونه‌هایی بعداً خواهیم دید).

۲. کلفون: بدون تردید دانش نسخه‌شناسی، در سرزمین ما مشکل نگرفته و فهرست‌نگاران و کتابداران ما از نسخه‌شناسی به صورت فن (تکنیک) بهره می‌بردند و نه دانش (knowledge) و شاید علم (science). لذا طرح انجامه‌شناسی در ادامهٔ نسخه‌شناسی از کتابداری نوین غربی متأثر است و انجامه در برابر کلفون قرار داده شده است. شاید مفید بود دربارهٔ واژهٔ کلفون، ریشه و تعریف آن در نسخه‌شناسی غربی هم اشاره می‌شد. کلفون از نام شهر یونانی کلفون (colophon) واقع در شمال غربی شهر لیدیایی افسوس در ترکیه امروزی گرفته شده است که مردمش به جنگجویی شهره بودند و هر طرف که آنان در آن سو می‌جنگیدند جنگ را با پیروزی به پایان می‌رساندند. اراسموس رتردامی (۱۴۶۶ - ۱۵۳۶م.) در پایان یکی از کتاب‌هایش به زبان لاتین نوشت: colophonem adidi به معنی: «نشانهٔ آخر را بر آن گذاشته‌ام» یعنی کتاب را تمام کردم. ازین زمان کلفون را برای انجامهٔ کتاب به کار بردند.^۱

کهن‌ترین کلفون موجود در نسخه‌های خطی، در کتاب پیامبران موسی بن آشهر طبرانی (تبیاری) به سال ۲۱۲ هـ / ۸۲۷م. موجود است. سمعاع بن یهودا در کلفون کتاب مصور مزهور و رمز به سال ۵۶۷ هـ / ۱۱۷۷م. ذکر کرده است که این کتاب را در چهار هفته به پایان برده است.^۲

با آغاز صنعت چاپ، کلفون، به همراه بعضی دیگر از سنت‌های نسخه‌نویسی، به صنعت چاپ نیز راه یافت. یکی دیگر از موارد استفاده از واژهٔ کلفون، در چاپ بود که بعدها واژهٔ device (علامت) برای آن انتخاب شد و عبارت از مهر یا نقش یا طرحی بود که در ابتدا یا انتهای نسخه ثبت شده و بیشتر معرف

1. Glaister, Geoffrey Ashall, *Encyclopedia of the Book*, New Castle, 1996, p. 103.
2. Idem, *ibid*.

علامت تجاری trade mark برای ناشر یا چاپخانه بود. کهن‌ترین علامت شناخته شده در کتب چاپی متعلق به سال ۸۶۶ هـ. ۱۴۶۲ م. است که فوست و شوهر علامت خود را بر کتاب مقدس لاتینی (biblia latina) زدند. در وین نسخه‌ای از مزامیر ماینس وجود دارد که علامت سال ۸۶۱ هـ. ۱۴۵۷ م. بر خود دارد، اما گمان می‌رود که بعدها به نسخه افزوده شده باشد.^۳

فرانسوای اول در سال ۹۴۶ هـ. ۱۵۳۹ م. فرمانی صادر کرد که ناشران و کتابفروشان را مجبور می‌کرد از علامت‌های ویژه خود استفاده کنند. در اوایل سده ۱۰ هـ. ۱۶ م.، پس از انتقال گزارش چاپ کتاب به صفحه عنوان، عملاً کلفون نویسی از انتهای نسخه‌های چاپی رخت بر بست.^۴ تا اوایل سده ۱۴ هـ. ۲۰ م. هنوز کلفون نویسی در نسخه‌های چاپ سنگی و حتی چاپ سربی فارسی ادامه داشت و نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان دید.

۳. اصطلاح انجامه در کهن‌ترین نسخه با آنکه در مقاله استاد افشار و مقالات پیش از آن و پس از آن - که بعداً به آنها اشاره خواهد شد - به کهن‌ترین انجامه موجود اشاره شده اما نشان داده نشده که کهن‌ترین اشاره به انجامه در کجا بوده است؟ انجامه نویسی (یا ترقیمه نویسی یا کلفون نویسی یا ... چه نامی بر انجامه خود داده است؟ آیا خود متوجه هویت مستقل انجامه بوده است یا نه؟ اگر بوده، آن را چگونه تعریف یا نامگذاری کرده است؟ استفاده مجازی و استعاری و تشبیهی از کلمات به کار برده شده در این باره، با وجود ارزشمند بودن، از ارزش علمی برخوردار نیست.

۴. چرا انجامه اسناد نه: در تعریف استاد افشار نیامده که چرا انجامه اسناد مورد بحث قرار نگرفته است. مگر نه آنکه «انجامه = گزارش تهیه» است و در پایان اسناد می‌آید: «در تاریخ ... ماه ... سال ... در مقام ... و شهود ...» و در آغاز مصالحه‌نامه‌ها می‌آید: «حاضر شدند در محضر شرع فلان و فلان در تاریخ ... ماه ... سال ...». چرا این گزارش‌ها که در قدیمی‌ترین اسناد موجود اسلامی منتسب به پیامبر اسلام (ص) نیز آمده‌اند جزء انجامه و یا کلفون محسوب نشده‌اند؟

۵. انجامه جغرافیایی: استاد افشار اشاره کرده‌اند که ۴ منطقه جغرافیایی تولید انجامه فارسی عبارت‌اند از: ماوراءالنهر، هندوستان، بلاد عثمانی، و عربی.

آیا همین تفکیک جغرافیایی انجامه‌ها ما را وادار می‌دارد خصوصیات هر دسته از انجامه‌های جغرافیایی را مشخص کنیم. آیا می‌توان اثر انجامه‌های بودایی، سانسکریت و شاید زردشتی را در انجامه‌های فارسی شبه قاره دید؟ و اثر انجامه‌های بودایی، چینی، سغدی و اوغوری را در انجامه‌های فارسی ماوراءالنهر؛ اثر انجامه‌های رومی، بیزانسی، اسلاوی و ژرمنی را در انجامه‌های فارسی بالکان و قفقاز؛ و اثر انجامه‌های یونانی، هیراتیک و حبشی را در انجامه‌های فارسی خاورمیانه عربی.

و آیا می‌توان حتی مناطق ایران تاریخی را دسته‌بندی کرد و مثلاً گفت: انجامه‌های ماوراءالنهری؛

انجامه‌های خراسانی؛ انجامه‌های عراقی؛ انجامه‌های آذربایجانی؛ انجامه‌های شروانی؛

۶. زبان و فکر: اگر زبان و کلام و خط و نقاشی را ابزارهایی در انعکاس افکار انسان بدانیم، می‌توان از

اعمال و کردار و نوشته شخص به اندیشه او راه برد.

اهمیت ارتباط زبان و فکر در انجامه‌شناسی از دو جهت است:

الف- ارتباط صرفی و نحوی واژه‌ها و اجزای انجامه: در این حالت تقدم فعل بر فاعل و مفعول (مانند زبان عربی) به انجامه‌ها سرایت می‌کند و ترکیب اجزای انجامه مطابق با همان تفکر نویسنده (عرب یا عرب‌زبان یا عربی‌نویس) بر کاغذ جاری می‌شود. گاه ترکیب عربی انجامه، نشان‌دهنده نویسنده

3. Idem, p. 136.

4. Idem, ibid.

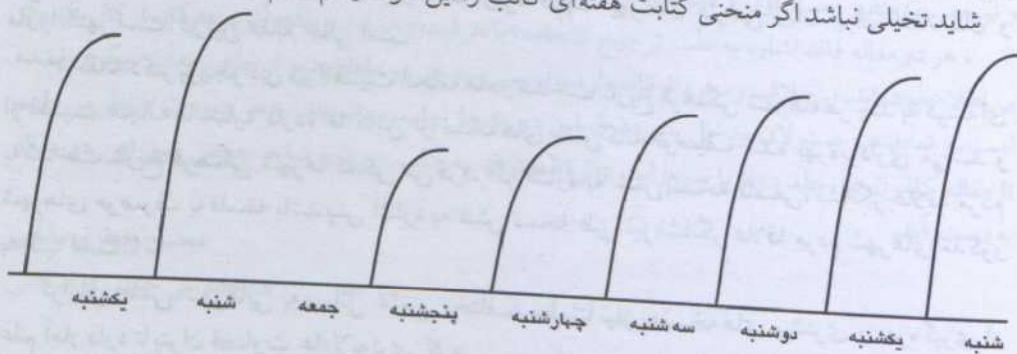
غیر عرب آن است که نمی تواند زبان فکری خود و زبان نوشتاری خود را با هم تطبیق دهد.
 ب- جهان بینی و جهان شناسی: جهان شناسی کاتب که همیشه ابزاری برای سفارش دهنده نیست،
 گاه در انجامه ها به ظهور می رسد. معمولاً اصالت انجامه و نهاد آن «فعل» است چه ترقیم، چه تسوید،
 چه تمیق، و کاتب معمولاً خود را از آن فارغ می بیند و آن را به اتمام می رساند.
 کمتر کاتبی را می بینیم که نهاد انجامه را به غیر از فعل اختصاص دهد. این کاتبان تمنیات درونی
 خود را نشان می دهند. نمونه های خوب را در مقاله «انجامه» می بینیم:

- اصالت کاتب

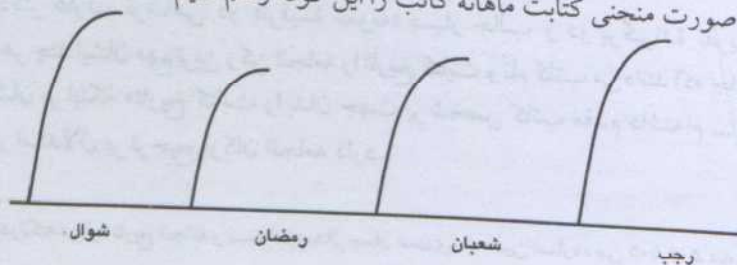
- اصالت کتاب

- اصالت حالت کتابت

- اصالت ابزار کتابت، مانند قلم: «قد استراح قلمی من ترقیم هذه الكلمات...» دست: «دیگر دست از تحریر
 عاجز شد التماس می نماید که بس است...». باید تأکید کرد که فرق است بین دسته بندی انجامه ها بر اساس
 تقسیم بندی ارائه شده در مقاله، و تفکیک نهاد و گزاره در انجامه، که خاستگاه فکری نویسنده را می نمایاند.
 ۷. تدوین منحنی کتابت: در مقاله انجامه خواندیم که مدت کتابت نسخه در انجامه می آمده. همچون: «کتاب
 موصوف در عرضه یک ماه به اتمام رسانید...» یا «در کمال سرعت و شتاب پانزده روزه تحریر شد...». این گونه
 انجامه ها ارزش تدوین منحنی کتابت را دارند. یعنی می توان کتاب را به ۳۰ بخش (یک ماه) یا ۱۵ بخش تقسیم کرد.
 عاقلانه این است که در نظر آوریم کاتب صبح کتابت را آغاز می کرده و غروب به انجام می رسانده است،
 و طبیعی است که توان جسمی او اجازه کار یکنواخت را نمی داده، لذا هر روز صبح که از خواب برمی خاسته
 و صبحانه ای می خورده و آغاز به کار می کرده است، خط او یکنواخت تر و خوش تر بوده و نزدیک غروب از
 اوج آن فرو کاسته می شده است و صبح روز بعد باز همین طور.
 باز عاقلانه این است که در نظر آوریم کاتب جمعه ها را به استراحت و عبادت های جمعی می گذرانده است
 و می توانیم در نظر آوریم که کاتب در ماه رمضان به دلیل روزه داری کمتر کار می کرده و از دقت کمتری نیز
 برخوردار بوده است.
 شاید تخیلی نباشد اگر منحنی کتابت هفته ای کاتب را این گونه رسم کنیم:



و به همین صورت منحنی کتابت ماهانه کاتب را این گونه رسم کنیم:





بدین ترتیب می‌توان کتابی را که در ۱۵ روز نوشته شده، به ۱۵ بخش تقریباً مساوی تقسیم کرد و فرافز و فرود نثر و خط کاتب را مشخص کرد. این چنین انجامه‌هایی ارزشی چند برابر دیگر انجامه‌ها دارند، زیرا از پروسه تهیه کتاب، گزارش بی‌بدیلی به ما ارائه می‌دهند.

۸. ورود دانش گاه‌شماری به مبحث انجامه: از مهم‌ترین ضعف‌های علوم انسانی به‌ویژه در کشور ما، نقلی بودن استنادات علمی است. خوب است در بحث انجامه‌شناسی، گاه‌شماری بیشتر به کار آید و در شناخت مشکلات نسخه‌شناسی یاری رساند.

مثلاً در نمونه شماره ۳۴۴ مقاله انجامه می‌خوانیم: «یوم الأربعاء عشر ربیع الأول فی سنة سبع و سبعین و خمسمائة...». آیا واقعاً ۱۴ ربیع‌الاول سال ۵۷۷ چهارشنبه بوده است؟

تقویم تطبیقی و وستفلد می‌گوید که اول ربیع‌الاول سال ۵۷۷ برابر چهارشنبه بوده است. پس روز ۱۴ ربیع‌الاول باید پنج‌شنبه باشد. البته با توجه به قراردادی بودن تعداد روزهای ماه در تقویم و وستفلد، این یک روز قابل اغماض است. اما آیا در همه موارد چنین تطبیقی را انجام می‌دهیم؟

نمونه ۳۸۳ می‌گوید که: ۱۱ رمضان ۹۷۱ روز شنبه بوده است. اگر اولین روز رمضان سال ۹۷۱ پنج‌شنبه باشد (با یک روز اغماض) ۱۱ رمضان روز شنبه است که بر اساس تقویم و وستفلد درست است.

نمونه ۳۸۴ می‌گوید که: ۱۲ ذی‌قعدة ۹۷۵ روز دوشنبه است که با اغماض یک روز درست است. نمونه ۴۱۵ می‌گوید که: ۱۴ شوال سال ۷۳۲ روز سه‌شنبه است، در صورتی که اول شوال روز جمعه باشد ۱۴ شوال باید روز پنج‌شنبه - و شاید چهارشنبه - باشد و نمی‌تواند سه‌شنبه باشد. به همین دلیل در تصحیح متون و تاریخ‌گذاری آنها بر اساس انجامه، نباید نقش گاه‌شماری را دست‌کم گرفت.

برای خودم جالب بود که در انجامه‌های ارائه شده به‌ویژه به گاه‌شماری ترکی، هیچ اشاره‌ای به گاه‌شماری «خانی» که در سال ۷۰۲ هـ. به دست غازان خان مغول بنیاد نهاده شد نیامده و ظاهراً غیر از کتیبه معروف موزه سور به همراه گاه‌شماری‌های دیگر به کار نرفته است. فقط در سکه‌های سال ۷۳۳ هـ. و چند سند جلایری به سال‌هایی از این گاه‌شماری اشاره رفته است.

۹. تصویری در صفحه ۶۳ به نمایش در آمده که عبری - فارسی معرفی شده* در حالی که پهلوی - فارسی است. هر چند جای انجامه‌ای «فارسیهود» که ویژه کتابت یهودیان فارسی زبان ایران، افغانستان و ماوراءالنهر است، در این مقاله خالی است.

۱۰. مقاله دکتر پورجوادی در «اهمیت انجامه‌ها در شناخت تاریخ فرهنگی شهرها» هر چند به گوشه‌ای از اهمیت انجامه‌ها اشاره دارد، اما کاش از نسخه‌های شش‌گانه توصیف شده بهره‌برداری می‌شد و به شناخت تاریخ فرهنگی شهرها کمکی می‌کرد. اگر اشاره به شش نسخه فلسفی، نشانگر علاقه مردم شهرهای موصوف به فلسفه باشد پس اشاره به شش نسخه طبی نیز نشانگر علاقه مردم شهرهای مذکور به طب است؟!*

گرایش علمی شهرهایی به مسائل علمی مختلف، مطمئناً نیاز به نسخه‌های بیشتری و بهره‌گیری از علم آمار دارد تا بتوان قضاوت عادلانه‌تری کرد.

۱۱. مقاله دکتر عارف نوشاهی در «ترقیمه نمونه» بسیار جالب و در برگیرنده تقریباً همه ارکان انجامه‌هاست. هر چند ایشان مهم‌ترین رکن انجامه را تاریخ کتابت و نام کاتب می‌دانند (که جای بحث دارد) اما استدلال ایشان بر اینکه «تاریخ کتابت را بدان جهت بر شخص کاتب مقدم داشته‌ام...» نشان از دید علمی ایشان در استدلال بر ترجیح ارکان انجامه دارد.

* نک: یادداشت «دونکته درباره تاریخ انجامه و نسخه» از عبدالرحمان عمادی، در همین شماره، ص ۵۰۵-۵۰۶ «نامه بهارستان».

۱۲. «انجامه شاهنامه فلورانس» تألیف آیدین آغداشلو، نقش هنر را در سالیابی انجامه‌ها نشان می‌دهد که پیش‌تر مغفول مانده بود.

۱۳. مقاله «ترقیمه‌ها و مهرها و عرض دیده‌ها» نشان از توجه فارسی‌زبانان شبه قاره به انجامه‌شناسی دارد. نمونه‌های فراوان در اصل کتاب و مقالات آن، گنجینه ارزشمندی از انجامه‌ها را به نمایش می‌گذارد و ترجمه بعضی از مقالات را بایسته می‌گرداند.

۱۴. مقاله خانم دکتر مزداپور در معرفی «بن‌نوشت‌های کهن»، اثر میراث زردشتی بر انجامه‌نویسی فارسی را به خوبی نمایان ساخته است. در متون زردشتی بن‌نوشت را علاوه بر آغاز و انجام نسخه می‌توان دید بلکه گاه در میانه نوشته کتاب مطلبی می‌افزاید (ص ۲۵۶).

۱۵. اندکی پس از چاپ نشریه نامه بهارستان (دفتر پنجم)، در بهمن ماه امسال، دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، به‌ویراستاری دکتر عباس حرّی در انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسید.

بیشتر مدخل‌های نسخه‌شناسی این دائرةالمعارف به قلم استاد نسخه‌شناسی نجیب مایل‌هروی به‌نگارش درآمده است. از بدایع دائرةالمعارف نویسی در کشورمان همین بحث «انجامه» است که در این دائرةالمعارف هم مدخل «انجامه» آمده و هم مدخل «ترقیمه». و احتمالاً در جلد‌های آینده مدخل «کلفون» را نیز خواهیم دید.

- مقاله «انجامه» به قلم نجیب مایل‌هروی است که انصافاً مقاله مفید و منسجمی است، هر چند فقط ۶ صفحه را در برگرفته است. در این مقاله نیز نقش کلفون کمرنگ (فقط در حد اشاره) است و هیچ اشاره‌ای به قدیم‌ترین اشاره به انجامه یا ترقیمه (یا هر اصطلاح هم‌معنی دیگر) نشده و اصالت فوق‌الذکر مورد تأکید قرار نگرفته است. تحلیل‌های استاد مایل‌هروی قابل توجه و گاه بر اساس تجربه‌های کاتبان است.

- مقاله «ترقیمه» به قلم مژده کمالی‌فر است و بیشتر از روی فرهنگنامه‌های عمومی مانند: لغت‌نامه دهخدا، دائرةالمعارف فارسی، آندراج، دانشنامه ادب فارسی، به‌گردآوری تعاریف ترقیمه پرداخته است و توجّهی به منابع دست اول و نسخه‌های خطی و نمونه‌های ترقیمه‌ها ندارد.

- هر دو مقاله فاقد اشاره به علت ترجیح «انجامه» یا «ترقیمه» هستند و ظاهر آن‌ویسندگان از کار یکدیگر بی‌اطلاع بوده‌اند. برخلاف رسم دائرةالمعارف نویسی، در هر دو مقاله هیچ ارجاعی به آن دیگری نشده است. و شاید هم مسئولان مدخل‌یابی، فرق این دو مدخل را نمی‌دانستند. به هر صورت منتظر می‌مانیم تا مقاله کلفون در جلد دوم یا سوم این دائرةالمعارف به چاپ رسد و شاید جمعی بین این دو مقاله به‌دست آید.

محسن جعفری مذهب

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی